

فهم سیاست خارجی ترکیه در پرتو دکترین عمق استراتژیک احمد داوود اغلو

فرهاد دانش نیا*

داوود نظرپور**

آرمان سلیمی**

چکیده:

قدرت یافتن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ رویکرد نوینی را بر سیاست خارجی ترکیه حکم فرما کرد. برآیند این تحول بازتعریف هویت ترکیه بر اساس دکترین عمق استراتژیک و تغییر نقش ترکیه در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. نظریه پرداز اصلی این دکترین، «احمد داوود اغلو» است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که مبانی و اصول دکترین «احمد داوود اغلو» به‌عنوان راهبرد اصلی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ از چه مؤلفه‌هایی برخوردار بوده است؟ به‌علاوه، تا چه اندازه

*. عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه و عضو گروه پژوهشی مطالعات سیاسی - اقتصادی عراق.

(نویسنده مسئول: fdaneshnia@gmail.com / f.dnshn@razi.ac.ir).

** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۹

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره هفدهم، صص ۱۶۹ - ۱۶۹.

این دکترین در پیش‌برد اهداف سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان داده است که دکترین عمق استراتژیک به‌عنوان مبنای سیاست‌گذاری خارجی حزب عدالت و توسعه، با تأکید بر توانمندی‌های بالقوه این کشور در ابعاد جغرافیایی، تاریخی و هویتی در پی مطرح کردن آنکارا به منزله قدرتی فرامنطقه‌ای و جهانی است. در این راستا، دولت‌مردان ترک در یک دهه اخیر، با بهره‌گیری از دیپلماسی موزون در سطح بین‌المللی، حضور فعال در بحران‌های منطقه‌ای و سیاست جامع و بی‌طرفی در پی تحقق این هدف بوده‌اند. هر چند در این مسیر با وجود موفقیت‌های نسبی موانع زیادی را نیز پیش رو دارند.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی ترکیه، حزب عدالت و توسعه، دکترین عمق استراتژیک، احمد داوود اگلو.



مقدمه

تشکیل حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۱ و متعاقب آن، به قدرت رسیدن این حزب پس از پیروزی در انتخابات نوامبر ۲۰۰۲، تحول عمیقی را در روند سیاست‌گذاری و جهت‌گیری سیاست خارجی دولت ترکیه به همراه داشت. بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، در عرصه سیاست خارجی رویکرد و جهان‌بینی متفاوت از حکومت‌های پیشین بر دستگاه دیپلماسی ترکیه حاکم شد. در واقع، حزب عدالت و توسعه در صدد بود به‌عنوان حزبی دارای خط‌مشی اسلامی، در عرصه سیاست خارجی در قیاس با حکومت‌های پیشین که خط‌مشی لائیک داشتند برنامه و استراتژی‌های متمایزی را ارائه کند. البته همه چیز محدود و مقید به جهت‌گیری اسلامی نیست.

در این میان، رویکرد حاکم بر سیاست خارجی ترکیه در قالب دکترین عمق استراتژیک «احمد داوود اغلو» تحول عمیقی را در روند سیاست‌گذاری و جهت‌گیری سیاست خارجی دولت ترکیه به همراه داشته است. داوود اغلو با تأکید بر موقعیت خاص ترکیه در ابعاد جغرافیایی، تاریخی و... خواهان ایفای نقش ترکیه به‌عنوان کشوری مرکزی در سیاست جهانی است. از نظر اغلو، نباید ترکیه را میان کشورهای وابسته به غرب یا حایل میان شرق و غرب دانست، بلکه ترکیه کشوری مرکزی است که از حوزه نفوذ قابل توجهی در مناطق جغرافیایی مجاور خود و حتی فراتر از آن برخوردار است. به‌طور کلی، دکترین عمق استراتژیک خواهان ایفای نقش بیشتر ترکیه در سطح بین‌المللی است و در چند سال اخیر، به دلیل موضع‌گیری‌های خاص نسبت به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

در این راستا، نوشتار حاضر را این پرسش اساسی راهبری می‌کند که مبانی و اصول دکترین احمد داوود اغلو به‌عنوان راهبرد اصلی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ از چه مؤلفه‌های برخوردار بوده و تا چه اندازه این دکترین در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بوده است؟ در این پژوهش پژوهش نخست پیشینه و اصول سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه به بررسی تئوریک دکترین عمق استراتژیک احمد داوود اغلو به‌عنوان بنیان سیاست خارجی ترکیه در یک دهه اخیر پرداخته می‌شود. سپس محدودیت‌ها و ظرفیت‌های دولت‌مردان ترکیه برای رسیدن به اهداف مورد نظر در دکترین عمق استراتژیک بیان شده و در نهایت به نقد منطق حاکم بر این دکترین پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه و اصول سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ زمینه‌ساز تحولات مهمی در عرصه داخلی ترکیه شد. این حزب با ارائه و اجرای برنامه‌های دقیق و اتخاذ مواضع درست عملکرد موفق‌تری را در اداره امور داخلی ترکیه از خود بر جای گذاشته است. افزایش چشم‌گیر نرخ رشد اقتصادی، افزایش تولید سرانه، بالا رفتن حجم سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه، کنترل تورم، افزایش نرخ اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، تلاش برای حل مسأله اقلیت‌ها به‌ویژه در موضوع کردها و اقدامات مؤثر برای کنترل قدرت نظامیان^۱ از جمله مهم‌ترین کامیابی‌های حزب عدالت و توسعه در دوران زمامداری آن بوده است.

علاوه بر عرصه داخلی، حزب عدالت و توسعه تأثیر عمیقی بر سیاست خارجی ترکیه

۱- مهم‌ترین نمادهای عملکرد موفق حزب عدالت و توسعه در عرصه داخلی می‌توان بر اساس شاخص‌های زیر چنین بر شمرد: نرخ رشد اقتصادی در ترکیه در ۶ سال ۲۰۰۱-۲۰۰۷ به طور متوسط سالانه ۶/۹ درصد بوده است. این درحالی است که نرخ رشد در میان ۵۲ عضو اتحادیه اروپا حدود ۱/۲ درصد بوده است. تولید سرانه ترکیه از ۳۵۶۲ دلار در سال ۲۰۰۲ به ۹۶۲۹ دلار در سال ۲۰۰۷ افزایش یافت. یکی دیگر از چشم‌گیرترین موفقیت‌های اقتصادی دولت اردوغان در جذب سرمایه‌های خارجی بوده است. از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۰۳ ترکیه رقمی معادل ۱۸ میلیارد دلار سرمایه مستقیم خارجی جذب کرده بود. در سال ۲۰۰۳ این رقم به تنهایی حدود ۱/۳ میلیارد دلار شد که در سال ۲۰۰۶ به ۲۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۸ به بیش از ۳۰ میلیارد دلار افزایش یافت، به گونه‌ای که هم‌اکنون ترکیه مقام اول را در جلب سرمایه خارجی در خاورمیانه به خود اختصاص داده است. همچنین دولت اردوغان در مهار تورم نیز بسیار موفق عمل کرده و نرخ تورم دو رقمی و بالای ۷۰ درصد را که سال‌ها ترکیه به آن مبتلا بوده تک رقمی نموده است. ترکیه در سال‌های اخیر یکی از پایین‌ترین نرخ‌های تورم در خاورمیانه (به ۷/۵ درصد در سال ۲۰۰۸) داشته است. در مجموع دولت اسلام‌گرای "حزب عدالت و توسعه" در زمینه مهار نرخ تورم به نفع اقشار فقیر و متوسط، ایجاد اشتغال از طریق جذب سرمایه‌گذاری و کاهش نرخ بیکاری به ۹/۹ درصد در سال ۲۰۰۸ و افزایش صادرات، توجه به حقوق اقلیت‌های نژادی و مذهبی و محرومین و حاشیه‌نشینی‌ها و جلب رأی و نظر آن‌ها از طریق انجام اصلاحات حقوقی، عملکرد موفق‌تری از خود تا به امروز به جای گذاشته است (مزروعی، بهمن و اسفند ۱۳۸۷: ۱۵۷).

در دهه اول هزاره جدید میلادی برجای گذاشته است. این حزب در سال ۲۰۰۱ و با جدا شدن از حزب رفاه که نماینده خط مشی اسلام سیاسی در سیاست ترکیه بود، تشکیل شد و در نوامبر ۲۰۰۲ با بهره‌مندی از اکثریت قابل توجهی از آرای پارلمان^۱ این کشور به قدرت رسید. حزب عدالت و توسعه از آن زمان تاکنون در مسند قدرت بوده است و با پیروزی قاطع در انتخابات سال ۲۰۰۷ نیز به‌عنوان حزب پیش‌رو در ترکیه ظاهر شد و دولت اکثریت را تشکیل داد.^۲ در این میان، حزب عدالت و توسعه علاقه زیادی به قدرت‌نمایی در عرصه سیاست خارجی داشته و انگیزه‌های جاه‌طلبانه‌ای را از خود بروز داده است. احمد داوود اغلو که ابتدا به‌عنوان مشاور ارشد سیاست خارجی دولت‌های «رجب طیب اردوغان» بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ خدمت می‌کرد، بعدها در ماه می ۲۰۰۹ به سمت وزیر امور خارجه منصوب شد. وی معمار اصلی سیاست خارجی ترکیه در سال‌های اخیر بوده و نقش مهمی را در پیشبرد و تعالی آن داشته است (Wanning and Kardas, 2011: 124).

داوود اغلو با تأکید بر پتانسیل‌های بالقوه ترکیه در ابعاد جغرافیایی، تاریخی و هویتی خط‌مشی را در سیاست خارجی تدوین کرد که در آن از ترکیه به‌عنوان کشوری مرکزی در سیاست جهانی یاد شود. از نظر داوود اغلو، نباید ترکیه را در میان کشورهای وابسته به غرب یا حایل میان شرق و غرب هم‌چون دوران جنگ سرد در نظر گرفت. بلکه ترکیه کشوری مرکزی است که از حوزه نفوذ قابل توجهی در مناطق جغرافیایی مجاور خود و حتی فراتر از آن برخوردار است. این دیدگاه بر چند اصل اساسی استوار است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- به حداقل رساندن تنش با همسایگان: این خط‌مشی جدید نه تنها به معنای انتقاد از سیاست‌های قبلی بلکه به مفهوم ایجاد چارچوب مثبت و سازنده‌ای از چشم‌اندازهای آینده است.

۲- سیاست خارجی چندجانبه‌گرایانه: این رویکرد بر مکمل بودن تعاملات بین مناسبات جدید ترکیه و روابط با متحدان قدیمی خود صحنه می‌گذارد. بنابراین با این استدلال می‌توان به این نتیجه رسید که روابط روزافزون ترکیه با ملل خاورمیانه و روسیه با مناسبات استراتژیک و راهبردی این کشور با ایالات متحده و اتحادیه اروپا در تناقض نیست.

۱. حزب عدالت و توسعه با رهبری رجب طیب اردوغان در انتخابات مجلس سال ۲۰۰۲ با کسب ۳۶۴ کرسی از مجموع ۵۵۰ کرسی پارلمان و کسب ۳۴/۲ درصد آراء توانست مجلس و حکومت را به دست گیرد.
۲. بیش از دو سوم آراء کرسی‌های پارلمان را به دست آورد.

۳- تأکید بر اهمیت میانجی‌گری ترکیه در مناقشات منطقه‌ای و جهانی: بدین معنی که آنکارا این توان را دارد که در راستای ارتقای صلح و ثبات در مناطق مختلف جغرافیایی مبادرت به انجام اقداماتی نماید.

۴- امنیت‌زدایی^۱ از سیاست خارجی: یا به عبارت بهتر استفاده از ابزارهایی قدرت نرم هم‌چون دموکراسی، وابستگی متقابل اقتصادی و نفوذ فرهنگی: براساس رویکرد یادشده ترکیه بازیگری است که می‌تواند با همه دولت‌ها و ملت‌ها در تعامل و همکاری باشد. در این شرایط قدرت ترکیه از توانمندی نظامی این کشور نشأت نمی‌گیرد، بلکه ناشی از ساختار دموکراتیک و قدرت اقتصادی آن است (Murison, 2006: 945-54).

اصولی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، جز مورد سوم یعنی تمایل کشور ترکیه به میانجی‌گری، از امور تازه‌ای در سیاست خارجی این کشور محسوب نمی‌شود. به عبارتی با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه سعی داشته است بین اسرائیل و سوریه، حماس و فتح، عراق و سوریه، ایران و قدرت‌های غربی، لبنان و عراق نقش میانجی‌گر را ایفاء نماید. اما نسبت به دیگر اصول سیاست خارجی حکومت حزب عدالت و توسعه که مشابه با اقدامات دولت‌های قبلی ترکیه بود، مکان‌یابی آنکارا در مرکز ثقل تحولات جهانی در دوران پس از جنگ جهانی دوم بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این میان دولت حزب عدالت و توسعه توانسته است این اصول را به نحو جامع‌تری به نمایش بگذارد و مهم‌تر از همه فرصت‌هایی را برای به منصفه ظهور رساندن آن مهیا نماید. دلیل موفقیت مذکور این است حزب یاد شده موفق شده بود به تنهایی و بدون ائتلاف با سایر احزاب به قدرت برسد. در کنار این ملاحظات، برای فهم عوامل موثر بر سیاست خارجی و هم‌چنین روش‌های اجرای برخی از این سیاست‌ها توسط دولت حزب عدالت و توسعه، باید به نقش تحولات بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی توجه کرد (Uslu, 25 March 2009).

به لحاظ بین‌المللی شکل‌گیری حملات یازده سپتامبر علیه آمریکا و تقویت گفتمان برخورد تمدن‌ها بر اهمیت ترکیه به‌عنوان کشوری که در پی رد این دوگانگی است، بیش از پیش افزود. ترکیه به مثابه کشوری با اکثریت جمعیت مسلمان، خود را به‌عنوان نمونه موفق از پیشرفت، دموکراسی‌سازی و جهانی‌شدن نشان داده است. «کنفرانس اتحاد تمدن‌ها در سال ۲۰۰۵ که با ابتکار ترکیه و اسپانیا تحت نظارت سازمان ملل متحد برگزار

شد و همچنین حضور ترکیه در قالب نیروهای ایساف در افغانستان به‌عنوان تنها کشور مسلمان عضو ناتو که ثمرات بسیار مهمی را برای این کشور به دنبال داشت، می‌توان در راستای نقش تحولات بین‌المللی مورد ارزیابی قرار داد. به عبارت کلی می‌توان عنوان کرد که تحولات نظام بین‌الملل پس از حوادث یازده سپتامبر برای ترکیه و بالأخص حزب عدالت و توسعه به‌منظور افزایش نفوذ خود در جهان فرصت مغتنمی را فراهم کرد (Wanning and Kardas, 2011: 127-130).

از نظر منطقه‌ای نیز پیامدهای جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ فرصت‌هایی را برای ترکیه به ارمغان آورد. اگرچه تصمیم ترکیه در عدم دخالت در این جنگ منجر به پدید آمدن بحران‌هایی در روابط آنکارا - واشنگتن شد. اما این اقدام ترکیه، راه را برای گسترش نفوذ این کشور در منطقه هموار کرد. اول اینکه مقاومت در برابر دولت بوش، تصویر ترکیه را به‌عنوان ژاندارم آمریکا در منطقه بسیار کم‌رنگ کرد و راه را برای مورد قبول واقع شدن آنکارا در منطقه مهیا کرد. دوم اینکه تحولات ژئوپولیتیک و راهبردی مهم در منطقه هم‌چون سرنگونی رژیم‌های مستبد عربی، کاهش قدرت آمریکا در خاورمیانه و افزایش نفوذ ایران متعاقب جنگ سال ۲۰۰۳ فرصت‌های جدیدی را برای ترکیه به‌منظور حضور فعال و تأثیرگذارتر فراهم آورد (oguzlu, March 2009: 3-20).

سرانجام اینکه تحولات داخلی ترکیه نیز فرصت‌های جدیدی را به‌همراه داشت. برنامه‌های اقتصادی متعاقب بحران سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ که توسط دولت قبلی تدوین شده بود با جدیت دولت حزب عدالت و توسعه همراه شد. در نتیجه این اقدامات، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷، ترکیه از بالاترین میزان متوسط نرخ رشد سالانه در منطقه برخوردار شد. علاوه بر این شاخص‌های تجارت خارجی نیز بهبود چشم‌گیری یافت و ترکیه را در جمع صادرکنندگان مواد تولیدی قرار داد. دگرگونی‌های مثبت اقتصادی آنکارا را قادر ساخت که به‌طور جدی در مناطق هم‌جوار خود و حتی فراتر از آن دست به انجام فعالیت‌های اقتصادی بزند. پس می‌توان به این نتیجه رسید که انگیزه‌های اقتصادی ترکیه یکی از موتورهای محرکه سیاست پویای این کشور بوده است (oguzlu, March 2009: 3-20).

با توجه به نقش عوامل بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی در تعیین سیاست خارجی حکومت حزب عدالت و توسعه بعد از ۲۰۰۲، عملکرد دولت ترکیه در عرصه روابط خارجی

در ابعاد چندگانه قابل بررسی است. به عبارتی، در این سال‌ها حزب عدالت و توسعه در زمینه سیاست‌گذاری خارجی حوزه گسترده‌ای را در نظر داشته است که در چهار سطح عمده روابط با ایالات متحده، روابط با اتحادیه اروپا، روابط با کشورهای خاورمیانه و روابط با روسیه قابل واکاوی است.

۱-۱. روابط با ایالات متحده آمریکا

با محو شدن گفتمان جنگ سرد و معیارهای حاکم بر آن، روابط ترکیه و ایالات متحده در دوران پس از جنگ سرد پیچیده‌تر از گذشته شد. گرچه دو کشور در سال‌های پیش همکاری‌های گسترده‌ای را در مناطق مختلف و در حوزه‌های گوناگون انجام داده بودند، اما گاه‌گاهی آنکارا رویکردهای مستقلی از خود نشان می‌داد و در مواردی نیز با خط‌مشی‌های واشنگتن مخالفت می‌کرد. موضوع جنگ عراق و عدم همراهی ترکیه در آن یکی از نشانه‌های آشکار پیچیدگی روابط آنکارا - واشنگتن بود.

در دهه ۱۹۹۰ ترکیه با ایالات متحده در جنگ خلیج فارس همکاری کرد و با اعطای مجوز استفاده آمریکا از پایگاه هوایی اینجرلیک برای انجام عملیات علیه عراق نسبت به تداوم نظم پس از جنگ حساسیت زیادی از خود نشان داد. با این وجود سیاست ایالات متحده در قبال عراق بلافاصله به خاطر تهدیدات امنیتی ناشی از مسأله کردها و هم‌چنین پیامدهای ناگوار اقتصادی برای ترکیه به خاطر از دست دادن یکی از شرکای مهم تجاری خود به منبع تنش و ناامیدی در روابط دو متحد دیرین و افکار عمومی آنکارا تبدیل شد. نگرانی‌های ترکیه در یکم مارس سال ۲۰۰۳ با تصمیم پارلمان این کشور مبنی بر عدم مشارکت در جنگ عراق به اوج خود رسید. در نهایت اشغال عراق توسط نیروهای ائتلاف بین‌المللی باعث وخیم‌تر شدن روابط ترکیه و آمریکا شد و نقش بسیار مهمی را در پیدایش موج جدیدی از تمایلات ضد آمریکایی در این کشور بازی کرد. اگرچه از سال ۲۰۰۸ به بعد آنکارا و واشنگتن همکاری‌های ویژه خود را در عراق از سر گرفتند، اما باز هم مباحث بحث‌برانگیز زیادی را در خاورمیانه به وجود آورد. واشنگتن به‌طور کلی رویکرد منتقدانه‌ای به روابط دوستانه ترکیه با ایران و نیز، بحران‌های موجود در مناسبات آنکارا با اسرائیل داشت (Yilmaz, 2011: 19-25).

بنابراین، اگرچه باراک اوباما رییس‌جمهور ایالات متحده در دیدار خود از ترکیه در

آوریل ۲۰۱۰ رابطه آنکارا - آمریکا را به‌عنوان یک اتحاد استراتژیک و الگو توصیف کرد، اما مشخص نیست که این توصیف تا چه حد واقعی است (Yilmaz, 2011: 19-25). در دوران حزب عدالت و توسعه نیز به نظر می‌رسید که دو کشور در حوزه‌ها و زمینه‌های خاصی به همکاری با هم‌دیگر ادامه می‌دهند در حالی که درباره موضوعات مهم دیگر، خط‌مشی‌های سیاست خارجی دو کشور از هم‌دیگر فاصله گرفتند.

۲-۱. روابط با اتحادیه اروپا

قرن بیستم با نقطه عطف مهمی در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا خاتمه یافت. در دسامبر ۱۹۹۹ شورای اروپایی هلسینکی، ترکیه را به‌عنوان کاندیدای عضویت در اتحادیه اروپا به رسمیت شناخت. نامزدی ترکیه تأثیر بسیار مهمی در انجام اصلاحات گذاشت و باعث شد که آنکارا در این دوران اصلاحات قانونی و حقوقی زیادی را انجام دهد. در اکتبر ۲۰۰۱ سی و چهار اصلاحیه قانون اساسی مانند کاهش قدرت نیروهای پلیس در بازداشت غیرنظامیان، گسترش حقوق بشر، از میان برداشتن تحریم زبان کردی در رسانه‌های ترکیه و افزایش حضور غیرنظامیان در شورای امنیت ملی این کشور به تصویب رسید. هم‌چنین اصلاحاتی در زمینه قوانین جزایی از جمله لغو مجازات اعدام صورت گرفت. این اصلاحات به برگزاری اجلاس سران کپنهاک در سال ۲۰۰۲ منتهی شد که در آن اتحادیه اروپا تصمیم گرفت مذاکرات الحاق با ترکیه را به‌خاطر برآورده‌شدن موازین و معیارهای آن از سوی آنکارا از سر بگیرد. این تصمیم به‌همراه ارائه کمک‌های مالی انگیزه‌های ترکیه را برای انجام اصلاحات بیشتر کرد. چهار بسته هماهنگ‌سازی در این دوره به مورد اجرا گذاشته شد که از آزادی فکر، بیان و تجمعات حمایت می‌کرد و اقدامات جدیدی را برای جلوگیری از شکنجه پیشنهاد می‌کرد. در سال ۲۰۰۵ قانون جزایی و جنایی جدیدی به تصویب رسید. اصلاحات بعدی نیز باعث کم‌رنگ‌شدن نقش ارتش و نظامیان در سیاست شد و فرآیند مدیریت چالش‌های طولانی مدت همانند مسأله کردها را تشریح کرد (Morreli and Migdolovitz, 2009: 4-5).

در همین راستا، در نشست شورای اروپا در بروکسل در دسامبر ۲۰۰۴ تصمیم گرفته شد تا مذاکرات بدون هیچ تأخیری با ترکیه شروع شود. با این اوصاف از زمان آغاز مذاکرات الحاق، روابط ترکیه و اتحادیه اروپا رو به وخامت گذاشت. در واقع یکی از دلایل تیرگی

روابط به وجود دیدگاه‌های متفاوت در میان اعضای اتحادیه اروپا بر می‌گشت. به عبارتی، شروع مذاکرات الحاق باعث عکس‌العمل منفی احزاب و گروه‌هایی شد که مخالف حضور ترکیه در اتحادیه اروپا بودند. در این شرایط به قدرت رسیدن «نیکلا سارکوزی» در فرانسه و «آنجل مرکل» در آلمان در روند روبه‌رشد مذاکرات خلل ایجاد کرد. چون رهبران این دو کشور مهم و تأثیرگذار اتحادیه اروپا آشکارا با عضویت ترکیه مخالفت کردند. به‌ویژه فرانسه در دوران دولت سارکوزی منتقد پروپاقرص ورود ترکیه بود. علاوه بر مخالفت‌های فرانسه و آلمان، موضوع قبرس هم‌چنان به‌عنوان مانع بسیار مهمی در فرآیند مذاکرات الحاق سایه انداخته بود. پس از عضویت کامل جمهوری قبرس در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ این موضوع بخش مهمی از رابطه ترکیه و اتحادیه اروپا را تشکیل می‌داد. بنابراین، پای‌بندی ترکیه به تعهدات خود و جامه عمل پوشانیدن به آن‌ها با توجه به پروتکل الحاقی عامل بسیار مهمی در شروع مذاکرات درباره فصل هشتم براساس تصمیم شورای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ بود (Muftuler, Bac, 2007:14-20).

در برابر این موضع اتحادیه اروپا، ترکیه نیز علاقه کمتری از خود نشان داد. به همین خاطر حزب عدالت و توسعه به خاطر شتاب پایین فرآیند اصلاحات مورد انتقاد قرار گرفت. تلاش‌های اندک در زمینه انجام اصلاحات مانند تصویب قانون محدودیت اختیارات دادگاه‌های نظامی در سال ۲۰۰۹ یا همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی در سال ۲۰۱۰ از طریق انتخابات برای تغییر در نگاه غربی‌ها نسبت به ترکیه کافی نبود. در مقابل برخی نیز در ترکیه معتقد بودند که اصلاحات حزب عدالت و توسعه در دوره اول صدارت‌اش به‌منظور تحکیم قدرت خود در داخل از طریق کمک‌های خارجی مانند حمایت اتحادیه اروپا و هم‌چنین محدود کردن قدرت نهادهای داخلی نظیر ارتش و شورای امنیت ملی که عاملان اصلی تضعیف قدرت آن‌ها بودند؛ صورت گرفته است. در این میان، نکته قابل توجه این بود که در همین محدوده زمانی، حمایت مردم از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا از بیش‌ترین میزان خود یعنی ۷۲ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۵۴ درصد در سال ۲۰۰۶ تقلیل پیدا کرد. (Muftuler, Bac, March 2005: 16-30)

به‌طور کلی، عامل عضویت در اتحادیه اروپا را نیز می‌توان به‌عنوان یکی از عناصر تعیین‌کننده سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه قلمداد کرد. هر چند این حزب تلاش زیادی را برای هماهنگی با خواسته‌های اتحادیه اروپا و

پیوستن به آن داشته است، اما امری که در طولانی مدت اهمیت دارد این است که آیا ترکیه می‌تواند در درازمدت ابزارهای سیاست خارجی اتحادیه اروپا مانند مذاکره، تعامل به جای تقابل و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را به طور موفقیت‌آمیز در سیاست خارجی خود اجرایی نماید؟

۳-۱. روابط با خاورمیانه

در دوران دولت‌های حزب عدالت و توسعه پیشرفت‌های مهمی در روابط ترکیه با کشورهای واقع در خاورمیانه حاصل شده است. اگرچه ترکیه در گذشته حضور فعالانه‌ای در سیاست خاورمیانه پس از جنگ خلیج فارس داشت اما رویکرد این کشور در دهه اول هزاره جدید میلادی به کلی دگرگون شد. حزب عدالت و توسعه به طرز چشم‌گیری به امنیت زدایی در سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه اقدام کرد و روابط خود را با کشورهای هم‌جوار بهبود بخشید. مهم‌ترین نماد امنیت‌زدایی در سیاست خارجی ترکیه در جهت‌گیری‌های آنکارا در قبال سوریه و عراق به وضوح مشاهده می‌شود. پس از اکتبر سال ۱۹۹۸ که در آن روابط دو کشور سوریه و ترکیه تا آستانه جنگ پیش رفته بود، اما در سال‌های دهه اول ۲۰۰۰ میلادی روابط بین دو کشور در تمامی زمینه‌ها توسعه پیدا کرد. به‌ویژه، پس از جنگ عراق همکاری‌های امنیتی بین دو کشور با تشکیل شورای همکاری‌های نظامی به اوج خود رسید. هم‌چنین، پس از تصویب توافق‌نامه تجارت آزاد در سال ۲۰۰۷ فصل جدیدی در روابط اقتصادی فی‌مابین گشوده شد. در نتیجه این تعاملات، حجم مرادوات تجاری تا پایان ۲۰۰۸ به دو میلیارد دلار رسید. تجارت از طریق مرزها رونق گرفت که پیامد آن برای هر دو طرف افزایش رشد اقتصادی و ایجاد شغل بود. حذف مقررات مربوط به روادید در سال ۲۰۰۹ بیش از پیش در گسترش و پیش‌رفت گردش‌گری و تجارت حائز اهمیت بود (Bar, Winter 2006: 42-43 and 47-48).

تصور تغییر در روابط ترکیه - عراق در مقایسه با سوریه غیر محتمل‌تر به نظر می‌رسید. چون هنگامی که ترکیه از همکاری با ایالات متحده در جنگ علیه عراق سرباز زد، این کشور از تعیین و مدیریت آینده در سیاست پس از جنگ به طرز موثری دور ماند. در طول این سال‌ها ترکیه به دلیل نگرانی‌هایش درباره تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی عراق و هم‌چنین نفوذ حزب کارگران کردستان (PKK) در آن‌جا هزینه‌های زیادی را از

قدرت روبه‌فرونی کرده‌های عراق و ایجاد دولت منطقه‌ای کردستان متحمل شده بود. آنکارا به همین خاطر در سال ۲۰۰۸ استراتژی جدیدی را در قبال عراق اتخاذ کرد. هدف این استراتژی بهبود روابط با تمامی احزاب و بازیگران عراقی من جمله دولت منطقه‌ای کردستان عراق بود. توسعه روابط سیاسی و اقتصادی ستون اصلی تعمیق ارتباطات متقابل را تشکیل می‌داد. در این راستا ترکیه علاوه بر باز کردن سفارت خود در بغداد، کنسول‌گری‌هایی را در شهرهای موصل، اربیل و بصره افتتاح کرد و در نتیجه به حضور خود در تمامی بخش‌های عراق جامه عمل پوشانید. ترکیه به جای بزرگ‌نمایی تهدید عراق مذاکراتی را با دولت مرکزی بغداد برای شکل‌دهی به یکپارچگی اقتصادی بین دو طرف ایجاد کرد و تمرکز ویژه خود را بر شمال عراق قرار داد. گسترش روابط بر زندگی مردم و جابه‌جایی‌های بین دو همسایه تأثیر قابل توجهی گذاشت، تا آن اندازه که کنسول‌گری اربیل اعلام کرد که آن‌ها روزانه در حدود سی هزار روادید صادر می‌کنند (Ozcan,2011:71-80).

به‌طور کلی، دهه ۲۰۰۰ میلادی شاهد بسط روابط ترکیه با خاورمیانه بود. در این سال‌ها آنکارا مسافرت‌های بدون روادید را با لیبی، سوریه، اردن، لبنان و یمن امضا کرد. در همین سال‌ها موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد با مصر، اردن، لبنان، مراکش، سوریه، فلسطین، تونس به امضاء رسید. دولت حزب عدالت و توسعه هم‌چنان برهدف خود در ایجاد منطقه مبادلات کالاها و اشخاص تأکید می‌کرد. در نتیجه این سیاست‌ها بود که حجم تجارت بین ترکیه و کشورهای عربی که در سال ۲۰۰۴ فقط سیزده میلیارد دلار بود؛ در سال ۲۰۱۰ به رقم باورنکردنی سی و سه میلیارد و پانصد میلیون دلار رسید. هم‌چنین، در طول شش سال گذشته میزان سرمایه‌گذاری‌های غیرمستقیم کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا و خلیج فارس در ترکیه به چهارده میلیارد دلار رسید. علاوه بر این سازوکارهای لازم برای مذاکرات سیاسی گسترده بین ترکیه و کشورهای منطقه شکل گرفت (Baskan,2011: 159-171). همه موارد یاد شده نشان از رویکرد رویگردانی ترکیه از سیاست خارجی سابق خود در قبال کشورهای خاورمیانه و تهدیدات امنیتی واصله از سوی آن‌ها بود.

یکی دیگر از مسائل بنیادی در سیاست خارجی ترکیه نسبت به تحولات خاورمیانه انقلاب‌های مردمی اخیر در جهان عرب است که علاوه بر به وجود آوردن فرصت‌هایی برای ترکیه، چالش‌هایی را نیز برای این کشور رقم زده است... به‌طور کلی، دگرگونی‌های سیاسی ایجاد شده در منطقه به سمت شکل‌گیری دولت‌های مردمی و پاسخ‌گو در درازمدت

می‌توانست به ارتقای همکاری‌های آنکارا با کشورهای هم‌جوار خود بیانجامد. با این وجود در کوتاه‌مدت دولت حزب عدالت و توسعه با چالش‌هایی نیز دست به گریبان بوده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مخاطره افتادن سرمایه‌گذاری ترکیه در منطقه‌ای اشاره کرد که دچار تحولات سیاسی، اقتصادی و ژئوپولیتیک شده است (Stuart, October 2009: 1-11).

دیگر عنصر تعیین‌کننده در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه نسبت به خاورمیانه، ارتباط با اسرائیل است. واقعیت آن است که به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه از همان ابتدا نتوانست روابط ترکیه-اسرائیل را تحت تأثیر قرار دهد. این حزب در ابتدا خط‌مشی عمل‌گرایانه‌ای را در قبال اسرائیل اتخاذ کرد و سال‌ها به روابط خود با تل‌آویو هم‌چون سابق ادامه داد. مناسبات ترکیه با اسرائیل و سوریه این امکان را به آنکارا داد که در منازعات بین این دو کشور به‌عنوان میانجی عمل کند. هم‌چنین دولت حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۵ نشستی را بین مقامات رسمی اسرائیل و پاکستان در استانبول تشکیل داد. اما در نهایت روابط ترکیه با اسرائیل در نتیجه عملیات نظامی تل‌آویو به تیرگی گرایید. اردوغان نخست‌وزیر ترکیه در کنفرانس همکاری اقتصادی داووس در سال ۲۰۰۹ از اسرائیل به خاطر شروع جنگ در غزه انتقاد شدیدی به عمل آورد. از آن زمان تاکنون مقامات ترکیه لحن انتقادات خود را علیه اسرائیل در محافل داخلی و نیز، در مجامع بین‌المللی افزایش داده‌اند. در ۳۱ مارس ۲۰۱۰ یکی از کشتی‌های ترک که بخشی از ناوگان آزادی غزه بود توسط نیروهای نظامی اسرائیل مورد هجوم قرار گرفت که طی آن نه نفر از شهروندان ترک و یک تبعه آمریکایی - ترکی جان خود را از دست دادند. این ناو شامل شش کشتی بود که ملیت‌های سی و هفت کشور را با خود برای نشان دادن مخالفت‌هایشان با محاصره اقتصادی مردم غزه که به سوی این تنگه راهی بودند؛ حمل می‌کرد. حمله به کشتی حامل کمک‌های انسان‌دوستانه خسارات جبران‌ناپذیری را بر روابط ترکیه و اسرائیل وارد کرد. وخیم‌شدن روابط با تل‌آویو چالش بزرگی را برای مواضع پیشین ترکیه در داشتن روابط با تمام طرف‌های درگیر در خاورمیانه و آمادگی برای مذاکره با همه آن‌ها به بار آورد. این موضع گرچه با استقبال بی‌نظیر افکار عمومی جهان عرب مواجه شد، اما مورد حمایت رژیم‌های عربی قرار نگرفت (Ozcan, 2004: 1-7).

یکی از ابعاد دیگر سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه روابط این کشور با ایران بود. وخیم‌ترشدن روابط ترکیه با اسرائیل و در مقابل بهبود روابط آنکارا با تهران، منجر به

شکل‌گیری ادعاهایی از جانب کشورهای اروپایی و ایالات متحده شد که ترکیه با نزدیکی به شرق شکافی را در روابط خود با غرب به وجود آورده است. به‌طور کلی، در دهه اول قرن بیست و یکم میلادی روابط ترکیه با ایران بیش از گذشته پیچیده‌تر شد. ترکیه مناسبات خود را با ایران هم در زمینه سیاسی و هم در حوزه اقتصادی تحکیم کرد؛ به‌طوری‌که ایران به دومین صادرکننده گاز طبیعی ترکیه تبدیل شد. آنکارا هم‌چنین برای حل و فصل دیپلماتیک برنامه هسته‌ای ایران علاقه‌مندی‌هایی را از خود نشان داد. هر چند دلیل این عمل‌گرایی ترکیه در مورد برنامه هسته‌ای ایران به خطرات ناشی از دستیابی تهران به فناوری پیشرفته هسته‌ای و نیز، محدود کردن نفوذ ایران در منطقه بر می‌گشت (Guzansky and linenstrauss, April 2011: 97-105).

۴-۱. روابط با روسیه

در دهه ۱۹۹۰ روابط ترکیه و روسیه با گسترش مناسبات اقتصادی و در عین حال وجود چندین بحران اقتصادی قابل بررسی است. از جمله این بحران‌ها می‌توان به اتهامات متقابل دو کشور در حمایت از جنبش‌های جدایی‌طلب معارض هم‌دیگر اشاره کرد. روسیه هم‌چنین نگران فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی ترکیه در حوزه دریای خزر بود. در نتیجه این بی‌اعتمادی دوطرفه، مسکو و آنکارا برای کم‌رنگ کردن نفوذ طرف مقابل به رقابت با هم‌دیگر پرداختند. با وجود رقابت‌های سیاسی، روابط میان دو کشور با امضای توافق نامه خط لوله بلواستریم که گاز طبیعی روسیه را از طریق خط لوله‌ای در دریای سیاه به ترکیه انتقال می‌داد، وارد مرحله جدیدی شد. سرانجام در طی دیدار «بلنت اجویت» از روسیه در سال ۱۹۹۹ دو کشور اصل عدم دخالت در امور هم‌دیگر را پذیرفتند. این تفاهم‌نامه دوستی، راه را برای همکاری‌های گسترده‌تر دو کشور مهیا کرد (Witz, Summer, 2010: 61-4).

بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه دیدار «پوتین» رئیس‌جمهور روسیه از ترکیه در دسامبر ۲۰۰۴ نقطه عطف مهم دیگری در روابط دو کشور بود. از آن زمان تاکنون مشخصه روابط ترکیه و روسیه با گسترش دیدارهای دوجانبه در سطح مقامات بلندپایه و روابط کاری نزدیک در سطح رهبری دو کشور بوده متمایز شده است. حجم تجارت دو کشور در سال ۲۰۰۸ به سی و هشت میلیارد دلار رسید. هم‌چنین روسیه در

طی یک دهه اخیر به بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکیه و اولین تأمین‌کننده گاز طبیعی آنکارا تبدیل شده است. به‌گونه‌ای که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم آنکارا در روسیه بالغ بر شش میلیارد دلار تخمین زده شده است. همچنین، در حوزه توریسم و گردش‌گری نیز، درآمد‌های ترکیه از جانب روسیه به ارقام قابل توجهی رسیده است و سالانه قریب به سه میلیون نفر از شهروندان روس به ترکیه سفر می‌کنند (Ozbay, 2011: 73-80).

متعاقب بهبود روابط دو کشور، در ماه می سال ۲۰۱۰ طی دیدار مدودف از آنکارا چندین توافق‌نامه دیگر نیز امضا شد. در میان آن‌ها سه توافق‌نامه منعقد شده از اهمیت بالایی برخوردار بود. توافق‌نامه اول به لغو روادید در مورد سفرهای کوتاه مدت اشاره داشت. براساس موافقت‌نامه دوم قرار شد که روسیه یک نیروگاه هسته‌ای را برای ترکیه بسازد. مورد سوم نیز مربوط به گسترش و توسعه خط لوله‌ای است که نفت را از سواحل دریای سیاه در ترکیه به بندر جیحان در مدیترانه، معروف به خط لوله سامسون - جیحان انتقال می‌داد (Ozbay, 2011: 73-80). به‌طور کلی، با وجود محدودیت‌های زیاد در روابط ترکیه و روسیه در دوران حکومت حزب عدالت و توسعه، مراودات طرفین به‌طرز چشم‌گیری افزایش پیدا کرده است.

۲. دکترین عمق استراتژیک احمد داوود اغلو

بحث درباره سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ تاکنون بدون رجوع به مبانی فکری احمد داوود اغلو^۱ غیرممکن است. داوود اغلو در کتاب عمق استراتژیک که به سال ۲۰۰۱ منتشر شد؛ رویای استراتژیک خود را درباره ترکیه مورد مذاقه قرار می‌دهد. وی معتقد است که ترکیه به خاطر تاریخ و موقعیت جغرافیایی‌اش از یک عمق استراتژیک برخوردار

۱. داوود اغلو یکی از معدود دانشگاهیانی بود که به حزب عدالت و توسعه ملحق شد. او در شهر قونیه واقع در آناتولیای جنوبی متولد شد. قبل از ورود به عرصه سیاست، نخست به عنوان مشاور ارشد نخست‌وزیر ترکیه و بعدها در نقش وزیر امور خارجه این کشور، سوابق قابل قبول دانشگاهی در رشته روابط بین الملل داشته است. داوود اغلو با پرورش رؤیای استراتژیک خود در محافل دانشگاهی ترکیه این فرصت را یافت تا نظریه خود را در عرصه عمل پیاده کند. گرچه بسیاری از تحلیل‌گران از رویای استراتژیک وی تعبیر به نوع‌مانی‌گرایی می‌کنند، اما باید گفت که این تصور تا حدودی همراه‌کننده است. عثمانی‌گرایی یکی از جنبش‌های سیاسی لیبرال قرن نوزدهمی بود که هدف از آن تشکیل یک هویت ملی و مدنی بود. این هویت تمام گروه‌های مذهبی، زبانی و قومی را در بر می‌گرفت. عثمانی‌گرایی جدید همچنین به معنای بازگشت به سیاست خارجی تورگوت اوزال در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی تعبیر می‌شد. این سیاست خارجی گرچه مستلزم علاقه شدید به توسعه روابط با خاورمیانه و کشورهای آن است، اما با درون‌مایه‌های فکری رویای داوود اغلو شباهتی ندارد (Grigoriadis, December 2010:4).

است و کشور خود را در شمار گروه اندکی از کشورهایی قرار می‌دهد که معروف به کشورهای مرکزی هستند. اوغلو عنوان می‌کند که ترکیه نباید از نقش منطقه‌ای خود در بالکان و یا در خاورمیانه راضی باشد؛ چون این کشور یک قدرت مرکزی است نه یک قدرت منطقه‌ای. به همین خاطر باید به طور همزمان در چندین منطقه نقش راهبری داشته باشد، نقشی که به آن یک اهمیت جهانی و استراتژیک می‌دهد (Aras, 2009: 128-131).

در دیدگاه داوود اغلو ترکیه یک کشور خاورمیانه‌ای، بالکانی، قفقازی، آسیای مرکزی، مدیترانه‌ای و متعلق به خلیج فارس و دریای سیاه است که می‌تواند به طور همزمان نفوذ خود را در این مناطق به کار برد و داعیه‌دار نقش جهانی و استراتژیک در دنیا شود. به همین دلیل وی مفهوم رایج از ترکیه را به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب رد می‌کند. چون بر این باور است که بر اساس این دیدگاه ترکیه ابزاری برای پیشبرد منافع استراتژیک سایر کشورها خواهد بود. وی خاطر نشان می‌کند که این عمق استراتژیک و جغرافیایی پیش‌تر با میراث عثمانی آن تقویت و بارور شده است و برای نیل به این هدف، ترکیه باید از پتانسیل‌های قدرت نرم خود بهره‌برد. این پتانسیل‌ها از ارتباطات تاریخی و فرهنگی آنکارا با همه مناطقی نشأت می‌گیرد که به آن‌ها تعلق دارد و نیز نهادهای دموکراتیک و بازارهای اقتصادی شکوفا که ترکیه در طی چند سال اخیر پس از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه بدان دست یافته است. بر اساس این منطق ترکیه باید تصور میلیتاریستی از خود که بر اساس نیروی نظامی مستحکم استوار بود و نیز پیشینه‌ای که از حاکمیت نظامیان بر روابط میان دولت و جامعه وجود داشت را از میان بردارد و در مقابل باید در پی ارتقای همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، مشارکت گسترده در حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات منطقه‌ای باشد تا بهانه‌ای برای ورود قدرت‌های فرامنطقه‌ای و مداخلات آن‌ها برای ناامن کردن منطقه فراهم نشود (Davutoglu, 2008: 12-13). داوود اغلو می‌گوید: ترکیه از هویت‌های منطقه‌ای چندگانه برخوردار بوده و بنابراین از قابلیت لازم برای دنبال کردن سیاست خارجی منسجم و چندجانبه‌گرایانه داراست (Davutoglu, 2008: 12-13). به عبارتی در دکتترین عمق استراتژیک، ترکیب منحصربه‌فرد تاریخ و جغرافیا با یک حسی از مسئولیت توأم می‌گردد و ایفای نقش فعال در حل و فصل مخاصمات منطقه‌ای و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در تمامی زمینه‌ها وظیفه‌ای است که از اعماق تاریخ گسترده و

فراگیر ترکیه سرچشمه می‌گیرد.

داوود اغلو برای خروج از آن چه که آن را سال‌های دهه ۹۰ می‌نامد، دو سناریو (طرح) را برای ترکیه در جهت نیل به موفقیت در انگیزه‌های جهانی‌اش، پیش‌بینی می‌کند. سناریو اول به ماهیت و بافت سیاست در داخل اشاره دارد؛ در حالی که سناریو دوم به بررسی روابط آن با همسایگان می‌پردازد. بدین مضمون که در حوزه سیاست داخلی ترکیه باید مشکل خود را با کردها حل کند و شکاف ایجاد شده مابین عناصر اسلام‌گرا و سکولاریست را در جامعه از میان بر دارد. داوود اغلو از حل و فصل تنش‌های فی‌مابین بر مبنای معیارهای دموکراتیک حمایت می‌کند. وی معتقد است اگر به یک راه‌حل پایدار و منصفانه در مورد کردها برسیم که در آن حقوق اقلیت‌های کرد تضمین شود و یک اجماع همگانی دربارهٔ رابطهٔ سکولاریسم و بخش‌های مختلف جامعه ترکیه حاصل گردد، آن وقت قابلیت‌های استراتژیک ترکیه شکوفا خواهد شد. نبرد مسلحانه با کردها، بیش از سی سال است که ادامه دارد و جان سی هزار نفر را گرفته؛ جامعه ترکیه را چند قطبی کرده و بار بسیار سنگینی بر بودجه آن تحمیل کرده و از پیشرفت اقتصادی بخش‌های واقع در شرق و جنوب شرقی ترکیه کاسته است. تقابل میان گروه‌های سکولاریست و اسلام‌گرا از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷ به میزان قابل ملاحظه‌ای رسیده و انسجام اجتماعی و کارآمدی دولت را با خطر مواجه کرده است (Yesiyurt and Akdeveliglu, 2009: 40-44).

در حوزه بین‌المللی نیز داوود اغلو استدلال می‌کند که ترکیه باید تمام اختلافات دوجانبه خود را که در روابط این کشور با همسایگان‌اش خلل ایجاد کرده است، برطرف نماید. وی با بهره‌گیری از سیاست «منازعه صفر ۱» یا به حداقل رساندن تنش با کشورها بالاخص کشورهای همسایه و مجاور اعلام می‌دارد که در دهه‌های گذشته ترکیه فرصت‌ها و اقدامات مهمی را در درگیری خود با همسایگان مجاور به هدر داده است. ترکیه برای این که بتواند به یک رهبر منطقه‌ای تبدیل شود و یک نقش استراتژیک و جهانی را بازی کند، باید بر ترس‌های خود نسبت به کشورهای منطقه فایق آید و روابط دوستانه‌ای را با آن‌ها برقرار نمایند. هدف اصلی سیاست خارجی ترکیه باید حل تمامی مخاصماتی باشد که سبب سکون دیپلماتیک آن در گذشته شده است و در این صورت می‌تواند به دنبال پی‌گیری سیاست‌های جهانی خود باشد. توسعه روابط با قدرت‌های نوظهور جهانی

مانند برزیل، هند، روسیه و چین در این راستا بسیار مهم و حائز اهمیت است. اگر ترکیه بخواهد از میراث فرهنگی و تاریخی خود بهره برد، باید نقش رهبری خود را در گفتگوهای بین مذهبی و بین تمدنی بیابد و آن را به یکی از مهم‌ترین اولویت‌های خود در سیاست خارجی‌اش تبدیل نماید (Grigoriadis, 2010: 6-8).

۳. منطق عمق استراتژیک از تئوری تا عمل

بر اساس منطق عمق استراتژیک، شرق و غرب، سکولاریسم و اسلام‌گرایی، مدرنیته و سنت همه در ترکیه به هم می‌رسند. ترکیه گرچه اتحادهای سیاسی و نظامی مستحکمی با ایالات متحده و اسرائیل دارد، اما روابط دوستانه خود را با ایران و سوریه حفظ می‌کند. هدف از سیاست خارجی منازعه صفر حفظ روابط به بهترین وجه با همسایگان و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. این سیاست با خط‌مشی سیاست خارجی کمالیست‌ها در انطباق بوده و در واکنش به بی‌ثباتی منطقه‌ای و واقعیت‌های سیستم جهانی پس از جنگ سرد است. سیاست خارجی ترکیه بین دوستان و همسایگان خود تفاوت قایل می‌شود. ایالات متحده و اسرائیل در حکم دوستان ترکیه هستند چون روابط آن‌ها در حوزه ایدئولوژیک و نیز، از لحاظ استراتژیک با هم همخوانی دارند. آن‌ها درباره ارزش‌های کلی مانند لیبرالیسم، مدرنیته و سکولاریسم در محیط بین‌الملل باهم مشکلی ندارند. ترکیه معتقد به حمایت از این ارزش‌ها در خاورمیانه و نهادینه کردن آن‌ها از طریق اقدامات دیپلماتیک و ابزارهای اقتصادی است. ایران اسلامی و سوریه متحد تهران، از نظر ترکیه جزء همسایگان آنکارا محسوب می‌شوند نه دوستان آن. به این معنی که شاید آن‌ها ممکن است در برخی منافع استراتژیک هم‌رای و هم‌نظر باشند، اما درباره ارزش‌های حاکم در ترکیه مانند سکولاریسم با هم‌دیگر به نتیجه مشابهی نخواهند رسید (Meral and Paris, 2010: 80-84).

مبتنی بر اصول منطق عمق استراتژیک در عرصه عمل، روابط بین ایالات متحده و ترکیه از زمان حمله آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ دچار کش و قوس‌های فراوانی شده است. هنگامی که واشنگتن وارد مداخله در عراق شد، آنکارا به سران کاخ سفید اجازه نداد تا از مرزهای شرقی این کشور و پایگاه هوایی اینجریلیک برای ایجاد یک جبهه جدید استفاده کنند و بنابراین با متحد خود برای جنگ علیه صدام همراه نگشت. هرچند در

سال‌های ابتدایی بعد از ۲۰۰۳ روابط آمریکا و ترکیه به شدت به سردی گرائید. اما نیاز آمریکا به ترکیه برای کنترل امور داخلی عراق و حفظ منافع خود در منطقه خاورمیانه و همچنین ناکام ماندن در حفظ منافع خود در منطقه کردنشین شمال عراق، روابط آنکارا - واشنگتن را از آن زمان تاکنون بهبود بخشیده است. اما واقعیت آن است که تعامل دو کشور هیچ‌گاه به خوبی روابط آن‌ها در دوران قبل از سال ۲۰۰۳ نشده است.

دیگر موضوع مهمی که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد در ارتباط با روابط اسرائیل با ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۲) می‌باشد. به‌طور کلی، تحول رویکرد سیاست خارجی ترکیه در قالب دکترین احمد داوود اگلو چالش‌های عمیقی را در روابط دو کشور ایجاد کرده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- ضعف نظامیان در ترکیه (که در نتیجه فرآیند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا و اجرای اصول و معیارهای مورد نظر این اتحادیه به وجود آمده بود).

۲- ظهور اسلام‌گرایان معتدل حزب عدالت و توسعه در انتخابات نوامبر سال ۲۰۰۲.
۳- آشتی حزب عدالت و توسعه با سوریه و ایران و نکوهش سیاست اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی. البته تغییرات حادث در محیط منطقه‌ای نیز بر روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است (Kosebalaban, 2011: 95-102).

در چارچوب دکترین عمق استراتژیک، روابط ترکیه با ایران تحت تأثیر دو عامل منافع سیاسی و اقتصادی شکل گرفته است. دو کشور در زمینه منافع اقتصادی از علایق و اشتراکات زیادی برخوردارند، اما در زمینه‌های سیاسی دارای منافع متعارض و متفاوتی نسبت به رخدادهای منطقه خاورمیانه و بین‌المللی هستند. ایران به‌عنوان یکی از همسایگان ترکیه، از مهم‌ترین کشورهای تامین‌کننده نیازهای آنکارا در حوزه انرژی است (Liel, April 2011: 3-5). در همین راستا، ایدئولوژی نیز نقش مهمی در روابط ایران و ترکیه ایفا می‌کند. ترکیه دوران حزب عدالت و توسعه علی‌رغم پای‌بندی‌اش به قواعد و قوانین مذهبی به دولت دین‌سالارانه انقلابی به‌عنوان مانعی برای ایدئولوژی حکومتی خود نگاه می‌کند (Ozcan, 2004: 8-10).

با این وجود، در دوران حزب عدالت و توسعه روابط دو کشور سیر صعودی قابل توجهی پیدا کرده است. در جولای سال ۲۰۰۴، اردوغان نخست‌وزیر ترکیه در سفر به تهران، علاقه خود را به داشتن رابطه تنگاتنگ با ایران اعلام کرد و اظهار امیدواری کرد که حجم

مناسبات دو کشور به‌ویژه در حوزه ارتباطات دوجانبه اقتصادی چند برابر شده و به ۳۰ میلیارد دلار برسد. این دو کشور هم‌چنین نگرانی‌های مشترکی در خصوص مسائل کردها دارند (Bo, 2011: 2-5).

علاوه بر ایران، حزب عدالت و توسعه روابط تنگاتنگی با دولت سوریه در طی سال‌های اخیر داشته است. تا اواخر دهه ۹۰ میلادی ترکیه و سوریه روابط دیپلماتیک و دوستانه با هم‌دیگر نداشتند. علت اصلی تنش میان دو کشور در این دوران را می‌توان به حمایت خاندان اسد از حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) دانست. از تنش‌های آنکارا - دمشق در سال‌های اواخر قرن بیستم میلادی می‌توان به اختلافات دو کشور در تقسیم آب رودخانه‌های مرزی دو کشور و ادعاهای ارضی آن‌ها بر استان (اسکندرون) اشاره کرد. اما روابط بین آن‌ها به تدریج از سال ۱۹۹۸ بهبود یافت؛ هنگامی که سوریه به اولتیماتوم ترک‌ها در اخراج عبدالله اوجالان، رهبر پ‌ک‌ک و عدم حمایت از جدایی طلبان کرد واکنش مثبت نشان داد. این رخداد با توافق‌نامه‌های مختلف میان دو کشور همراه شد. بر مبنای سیاست توازن قوای ترکیه در منطقه، رئیس‌جمهور ترکیه احمد نجات سزر از بشار اسد برای سفر به ترکیه دعوت کرد. جالب این است که این دعوت زمانی صورت گرفت که یک ماه قبل از آن، دولت بوش و کنگره آمریکا، تحریم‌هایی را علیه سوریه تصویب کرده بودند. دیدار اسد در ژانویه ۲۰۰۴، اولین دیدار یک رهبر سوری پس از چهل و هفت سال از ترکیه بود. رئیس‌جمهور ترکیه نیز یک سال بعد در آوریل ۲۰۰۵ سفری را به دمشق انجام داد و به دیدار همتای خود پاسخ گفت (Altunisik, 2008: 151-53). به‌طور کلی، تا همین اواخر روابط ترکیه و سوریه به طور مداوم رو به‌بهبود بوده و روابط بین دو کشور به‌ویژه در زمینه مسائل امنیتی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است.

۳-۱. منافع جهانی ترکیه در چارچوب دکترین عمق استراتژیک

گسترش روابط خارجی در سطح بین‌الملل یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مورد نظر دکترین داوود اغلو را تشکیل می‌دهد. در این راستا، طی یک دهه اخیر کشورهای آفریقایی واقع در زیر صحرا و آمریکای لاتین توجه مقامات سیاسی ترکیه را به خود جلب کرده‌اند. به همین منظور چندین نشست سران ترکیه/ آفریقا در آنکارا با حضور رهبران بسیاری از کشورهای

آفریقایی برگزار شد. داوود اغلو در یکی از سخنرانی‌های خود در سال ۲۰۰۹ اعلام کرد که هفت سفارتخانه جدید در این کشور افتتاح شده‌اند. این در حالی است که ترکیه در سال ۲۰۱۰، بیست و شش سفارتخانه در اقصی نقاط دنیا افتتاح کرده بود که بیش‌ترین آن‌ها متعلق به کشورهای آفریقایی واقع در زیر صحرا و آمریکای لاتین بودند. وی هم‌چنین رغبت خود را به افزایش بودجه و تعداد کارکنان وزارت امور خارجه اعلام کرد تا این که این وزارت‌خانه بتواند دورنمای جدیدی را اوغلو که برای آینده ترکیه متصور است، محقق نماید (Ozcan, 2011: 117-24).

آن‌چه که در چارچوب رویکرد جهانی دکترین عمق استراتژیک مورد نظر وزارت خارجه ترکیه است براین مبنا قرار دارد که در سال ۲۰۲۳ هم‌زمان با صدمین سالگرد تأسیس جمهوری، ترکیه با برآورده کردن تمام الزامات و معیارهای ضروری اتحادیه اروپا، به یکی از اعضای کامل آن تبدیل خواهد شد. در این سال ترکیه با تمام همسایگان خود در صلح کامل زندگی می‌کند. در زمینه‌های اقتصادی و امنیت مشترک با همسایگان خود در تفاهم کامل است. در ایجاد تریپات امنیتی منطقه‌ای و امور جهانی بازیگر فعالی محسوب شده و در میان ده اقتصاد برتر دنیا قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر، براساس منطق عمق استراتژیک، رؤیای داوود اغلو تحقق کامل تمام اهداف اقتصادی و استراتژیک ترکیه است. اگر چه آنکارا در حال حاضر یکی از اعضای گروه G20^۱ بوده و هفدهمین اقتصاد بزرگ دنیا محسوب می‌شود، ولی داوود اغلو امیدوار است که شرایطی ایجاد شود تا این که ترکیه بتواند خود را در این زمینه در جایگاه ده کشور اول قرار دهد، Grigoriadis, Decebmber 2010:8-9).

۴. ابزارهای سیاست خارجی ترکیه در چارچوب منطق عمق استراتژیک

دکترین داوود اغلو مکانیسم‌ها و ابزارهایی را برای تحقق اهداف سیاست خارجی ترکیه ارائه می‌دهد که عبارتند از:

۱. بیست اقتصاد بزرگ گروهی متشکل از وزرای اقتصاد (دارائی) و مسولان بانک‌های مرکزی بیست اقتصاد مطرح دنیا است. گروه ۲۰ متشکل از قدرتمندترین کشورهای جهان است که در مجموع ۸۵ درصد اقتصاد جهان را در اختیار دارند.

۱-۴. رویکرد سیاست خارجی همگرایانه

احمد داوود اوغلو معتقد است که حکومت‌های مختلف ترکیه در دوران جنگ سرد اولویت‌هایی را در گرایش‌های سیاست خارجی خود برگزیده بودند و همزمان ملاحظات نیز، در ذهن سیاست‌گذاران خارجی شکل گرفته بود، به گونه‌ای که آن‌ها سیاست خارجی را در تناسب با این اولویت‌های ثابت دنبال می‌کردند. با این حال از نظر داوود اوغلو این اولویت‌ها دیگر در شرایط جدید جهانی محلی از اعراب ندارد. در مقابل وی بر این باور است که آنکارا باید سیاستی را پی‌گیری نماید که به سمت همگرایی با بازیگران مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی پیش رود. ترکیه از هویت‌های منطقه‌ای چندگانه برخوردار است و در نتیجه قابلیت دنباله‌روی از سیاست‌های خارجی منسجم و همگرایانه را دارد تا به همه موضوعات، اعم از فرآیند صلح خاورمیانه تا ثبات در قفقاز و آسیای مرکزی از یک دریچه نگاه کند و بر موضوعاتی اولویت قابل شود که سایر دغدغه‌های سیاست خارجی آن را مورد بی‌اعتنایی قرار ندهد (Davutoglu, 2008: 79-84).

البته داوود اوغلو با اظهار نظر بعضی از تحلیل‌گران که معتقدند ترکیه در سیاست خارجی خود تغییر محوری داده است، مخالف است. برای مثال، اگر کسی کنش‌گری ترکیه را در تحولات سال ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار دهد ممکن است به این نتیجه برسد که آنکارا به موضوع قبرس علاقه‌مند شده است، یا با بررسی فعالیت‌های گسترده دیپلماتیک ترکیه در جریان بحران غزه متوجه شود که ترکیه به دنیای غرب بی‌علاقه شده است. به واقع ترکیه یک سیاست خارجی منسجمی را دنبال می‌کند که در پی تجمیع تمام حوزه‌ها و قرار دادن آن‌ها در چارچوب یک سیاست خارجی هم‌گرایانه و فعال است. داوود اوغلو به‌منظور مخالفت با این نکته که کشور متبوع وی در حال تغییر دادن محور خود از غرب به خاورمیانه است می‌گوید ترکیه در سال ۲۰۱۰ یکی از اعضای غیردائمی شورای امنیت سازمان ملل و عضو فعال سازمان جی ۲۰ است. آنکارا هم‌چنین حداکثر تعهد خود را در فرآیند عضویت در اتحادیه اروپا حفظ کرده است و این تعهدات به‌منظور تعامل با غرب همچنان ادامه دارد، اما در عین حال ارتباطات عمیق و گسترده خود با شرق را مستحکم‌تر خواهد کرد. این رویکردها شاخصه سیاست خارجی منسجم و عمل‌گرایانه ترکیه را در چارچوب منطق عمق استراتژیک به خوبی نشان می‌دهد (Aras, 2009: 132-133).

۲-۴. دیپلماسی موزون

دومین مکانیسم و سازوکاری که داوود اغلو برای تحقق اهداف سیاست خارجی ترکیه ارائه می‌دهد، سیاست خارجی فعالانه‌ای است که با دیپلماسی موزون تقویت شود. داوود اغلو قبلاً از سطح پایین تعاملات دیپلماتیک و سیاسی ترکیه با سازمان کنفرانس اسلامی انتقاد کرده بود و از عدم عضویت آنکارا در این سازمان بین‌المللی و اسلامی به‌عنوان یکی از فرصت‌های از دست رفته ترکیه یاد می‌کرد. ترکیه در سال ۲۰۰۰ همکاری‌های خود را با این سازمان توسعه داد و سرانجام توانست در سال ۲۰۰۴ منصب دبیر کلی این سازمان را به خود اختصاص دهد. در حال حاضر «اکمل‌الدین احسان اغلو»^۱ دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی است. در همین راستا، بر طبق سیاست منازعه صفرترکیه تاکنون میزبانی نشست‌های سران طیفی از سازمان‌های بین‌المللی شده که در آن بر موضوعاتی چون آینده آب در خاورمیانه و سایر موضوعات مربوط به آن تاکید می‌شود. ترکیه هم‌چنین میزبانی مذاکرات مستقیم و یا غیرمستقیم بسیاری از گروه‌های درگیر در خاورمیانه و یا سایر مناطق مجاور از جمله آسیای میانه را بر عهده گرفته است. از نمونه‌های جدید می‌توان به حضور ترکیه در مذاکرات غیرمستقیم سوریه-اسرائیل و یا مذاکرات مستقیم افغانستان-پاکستان اشاره کرد. ترکیه هم‌چنین عضو غیردائم شورای امنیت بوده و جایگاه ناظر را در سازمان‌هایی چون اتحادیه آفریقا، اتحادیه عرب، اتحادیه کشورهای عضو سازمان کارائیب و سازمان کشورهای آمریکایی را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این نمونه‌ها، کمک‌های ترکیه به جریان توسعه در سطح بین‌الملل به بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۸ افزایش پیدا کرده است و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای کمک‌کننده در سازمان ملل شناخته شده است (Walker, 2011: 6-11).

۳-۴. حضور فعال در بحران‌ها

مکانیسم سوم، تمرکز بر حضور فعال در زمان وقوع بحران‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. داوود اغلو معتقد است که ترکیه باید در بحران‌های اتحادیه اروپا، خاورمیانه و یا قفقاز همیشه در کنار مردم باشد. این مکانیسم عمل را می‌توان در چندین مورد مشاهده کرد که مهم‌ترین آن‌ها به بحران روسیه - قفقاز و بحران غزه بر می‌گردد که در آن موضع ترکیه بر حمایت از خواست مردمی استوار بود. در این راستا رجب طیب اردوغان نخست

وزیر ترکیه قبل از هر رهبر دیگری در منطقه خاورمیانه از روسیه، آذربایجان و گرجستان دیدار کرد. ترکیه پیشنهاد اجرای یک برنامه ثبات و امنیت را در مناطق پیرامون خود داد و سعی کرد تا از تسری بحران روسیه - ناتو به دریای سیاه خودداری نماید. بعدها اردوغان پس از حمله اسرائیل به نوار غزه در دسامبر ۲۰۰۸ از چهار کشور مهم عربی دیدار کرد و تیم دیپلماتیک ترکیه به رهبری وزیر خارجه این کشور، دیپلماسی رفت و برگشت را بین دمشق و قاهره در طول بحران رهبری کرد (cornell,2012: 17-8).

۴-۴. سیاست جامع و بی‌طرفی

چهارمین ابزار سیاست خارجی ترکیه در چارچوب منطق عمق استراتژیک سیاست جامع و بی‌طرفی است. اوغلو معتقد است که سیاست خارجی ترکیه باید با همه بازیگران ذینفع در ارتباط باشد و اتحاد جامعی را برای حل مشکلات و اختلافات شکل داده و ابتکارات دیپلماتیک خود را گسترش دهد. یعنی ترکیه باید دیپلماسی خود را دقیق و مبتکرانه تدوین نماید. سیاست‌گذاران ترکیه باید فاصله مناسب خود با همه بازیگران را حفظ نمایند و از شرکت در هرگونه ائتلاف یا گروه‌بندی منطقه‌ای خودداری نمایند (Alessandri, February 2010: 8-12). به نظر می‌رسد هدف اوغلو از توصیه و تأکید بر اتخاذ سیاست خارجی جامع و بی‌طرفانه‌ای از سوی ترکیه، این باشد که چنین رویکردی نگرانی‌های بازیگران منطقه‌ای را رفع کرده و آن‌ها را از ماهیت صلح‌آمیز سیاست‌های آنکارا مطمئن خواهد ساخت.

۴-۵. حضور کامل تمام سازمان‌های داخلی در سیاست خارجی

حضور کامل تمام سازمان‌های داخلی در عرصه سیاست خارجی مکانیسم پنجم سیاست خارجی ترکیه در چارچوب منطق عمق استراتژیک است. بدین معنا که سازمان‌های غیردولتی، نهادهای اجتماعی و سایر ارگان مدنی به‌عنوان بخشی از تفکر جدید حاکم بر سیاست خارجی عمل کرده و حمایت خود را از جهت‌گیری جدید و پویای سیاست خارجی اعلام می‌کنند (Kirsic, 2011: 40-2). سازمان‌های اقتصادی، جامعه مدنی، متفکران، اتاق‌های فکر و سایر بازیگران امروزه نهادهای فرآیند سیاست‌گذاری در ترکیه را تشکیل می‌دهند. نقش جدید این نهادها، بخشی از مفهوم حضور کامل تمام سازمان‌ها است که

در مقایسه با گذشته که در آن سیاست منطقه‌ای و روابط بین‌الملل به شکلی طرح‌ریزی می‌شد که در آن هیچ جایی برای این بازیگران در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی اندیشیده نمی‌شد، تفاوت‌های زیادی دارد.

۵. چالش‌ها و محدودیت‌های منطق عمق استراتژیک

واقعیت آن است که هرچند حزب عدالت و توسعه در زمینه سیاست‌گذاری خارجی موفقیت‌های شایان توجهی داشته است، اما در مسیر عملی کردن اهداف مختلف سیاست خارجی‌اش و تعهد به آن‌ها، با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است. در واقع سود دنباله‌روی از سیاست خارجی مبتنی بر دکترین عمق استراتژیک برای ترکیه محدود و هزینه‌های آن بسیار زیاد است. فواید این سیاست خارجی تنها محدود به منافع اقتصادی است. کشورهای منطقه، تجارت خارجی گسترده‌ای با ترکیه دارند و تأمین‌کنندگان اصلی منابع انرژی آنکارا محسوب می‌شوند. (svet, 2006: 76). با این وجود، عواید این سیاست خارجی به تدریج تحت تأثیر چالش‌های سیاسی، استراتژیک و نظامی قرار گرفته و تداوم آن هزینه‌های زیادی را بر دولت ترکیه تحمیل می‌کند. قدرت ترکیه گرچه به لحاظ منطقه‌ای تعیین‌کننده و تأثیرگذار است اما در مقیاس جهانی با محدودیت‌های زیادی روبرو است. علاقه این کشور به دیپلماسی از دیدگاه‌های رئالیستی قابل فهم است. اما دیپلماسی نیز به نوبه خود با محدودیت‌هایی روبروست.

با این وجود، منطق عمق استراتژیک ترکیه به‌طور کلی و سیاست منازعه صفر به‌طور ویژه، کارکرد مؤثری برای آنکارا داشته و منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی زیادی برای این کشور به بار آورده است. البته این سیاست زمانی بیش‌ترین منافع را خواهد داشت که بین دوستان و همسایگان ترکیه تنش‌های بیشتری شکل بگیرد. تداوم این سیاست زمانی با مشکل مواجه می‌شود و نفوذ ترکیه را در منطقه مختل می‌سازد که یکی از طرفین خواه دوستان ترکیه مانند ایالات متحده و خواه همسایگان آنکارا هم‌چون ایران، از آنکارا بخواهند تا تعهداتش را به آن‌ها ثابت نماید. اگر ترکیه بخواهد تا لحظه آخر با یکی از طرفین همراه شود، ممکن است در آخر خود را تنها بباید؛ به عبارتی باید در روابط خود با آن‌ها تعادل ایجاد نماید (Onis, 2011: 58-61).

۵-۱. نقد منطق عمق استراتژیک

اجرای منطق عمق استراتژیک داوود اغلو در تغییر سیاست خارجی ترکیه و اهمیت روزافزون جایگاه دیپلماتیک و سیاسی آنکارا به‌ویژه در خاورمیانه نقش مهمی داشته است. البته این دکتترین از تناقضات خاصی رنج می‌برد که کاربرد موفقیت‌آمیز آن را با تردید مواجه می‌کند. براساس دکتترین یادشده بود که ترکیه از ایستادن در کنار غرب برای متوقف کردن برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم ایران اجتناب کرد و یا سیاست مستقلى را دنبال کرد که هدف از آن قرار گرفتن ترکیه در مرکز ثقل حل و فصل مشاجرات و منازعات بود. براساس این طرح بود که اردوغان خواستار خلع سلاح هسته‌ای در خاورمیانه شد. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند اردوغان به طور غیرقابل باوری اظهار کرد که غیرمنصفانه است از ایران بخواهیم برنامه‌های هسته‌ای خود را تعلیق نماید، اما از اسرائیل به خاطر نقض معاهدات اشاعه هسته‌ای و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی انتقاد نشود. اما مسأله این است اگر ایران به تعهداتش در قبال برنامه هسته‌ای خود عمل نکند و برنامه‌های هسته‌ای‌اش را گسترش دهد؛ ترکیه به لحاظ امنیت منطقه‌ای به یکی از بزرگ‌ترین بازندگان تبدیل شده و وارد مسابقه تسلیحاتی و هسته‌ای با سایر کشورهای خاورمیانه می‌شود (Cornell, 2012: 19-21).

علاوه بر این، تناقض بسیار مهمی در کاهش علاقه ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا به‌عنوان یکی از اولویت‌های استراتژیک این کشور وجود دارد. داوود اغلو بر این باور است که عضویت ترکیه در این نهاد مهم بین‌المللی خواست مطلوب آنکارا است، اما در رویکرد استراتژیک و منحصربه‌فرد آن نمی‌گنجد. بلکه در مقابل، عضویت در اتحادیه اروپا در بافت یکی از انتخاب‌های چندگانه ترکیه جای می‌گیرد. با این حال، نقطه ضعف این رویکرد، اهمیت فرآیند اصلاحات سیاسی ترکیه و عضویت آن در اتحادیه اروپا به‌منظور مدیریت منازعات داخلی خود و حل و فصل آن‌هاست. داوود اغلو حل و فصل مسأله کردها و تقابل اسلام‌گرایان و سکولارها را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیش شرط‌های اجرای انگیزه‌های جاه‌طلبانه و استراتژیک ترکیه می‌داند. فرآیند عضویت در اتحادیه اروپا مهم‌ترین محرک فرآیند دموکراسی‌سازی در ترکیه بوده که از سال‌های ۲۰۰۴ - ۱۹۹۹ شکل جدیدی به خود گرفته است. سرعت تداوم این فرآیند که از سال ۲۰۰۵ به این سو بیشتر شده، تا حد زیادی به مذاکرات پذیرش (الحاق) ترکیه به اتحادیه اروپا مرتبط بوده

است. فرآیند الحاق به اتحادیه اروپا تا آن اندازه برای آنکارا مهم است که می‌تواند به حل و فصل دو مشکل داخلی ترکیه (چالش‌های کردها، تقابل اسلام‌گرایان و سکولاریست‌ها) کمک کند.

در این میان، ارتقای روابط استراتژیک ترکیه با اتحادیه اروپا بیش از هر گزینه‌ای برای آنکارا حایز اهمیت است. چون که مشکلات فراروی گشایش روابط با کردها و نیز عدم انجام اصلاحات مهم در روابط دولت - مذهب در ترکیه و حل و فصل این مناقشات، بدون فشارهای اعمال شده از جانب الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا میسر نخواهد شد. با این حال، فرآیند عضویت ترکیه در این اتحادیه به یکی از اجزای اساسی تحقق رؤیاهای ترکیه تبدیل شده است. در این راستا دو فرض محتمل به نظر می‌رسد. نخست اینکه انگیزه‌های منطقه‌ای و رو به گسترش ترکیه اساساً مانعی بر سر راه هم‌گرایی آن با اروپا ایجاد نکرده و حتی می‌توان گفت که ترکیه قوی‌تر در منطقه می‌تواند نامزد جذاب‌تری برای اتحادیه اروپا و کشور با ارزش‌تری برای آن باشد. در مقابل این سناریو را نیز باید در نظر گرفت پیشبرد همزمان رویکرد همکاری در کنار تعارض خواه ناخواه پیچیدگی‌های را بر فرآیند سیاست خارجی این کشور تحمیل می‌کند که برون رفت موفقیت آمیز از آن حتمی و به آسانی قابل پیش بینی نیست. برآیند این مهم حاکم شدن گفتمانی پارادوکسیکال و متناقض بر سیاست خارجی این کشور است که برگرفته از لایه‌های مختلف هویتی مبتنی بر اسلام، غرب و تاریخ دعوای بازی و تعقیب منافع با بازیگرانی که در هر سه عرصه مذکور با آن‌ها اشتراک بینادذهنی دارد، را به طور همزمان در سر می‌پروراند. این مهم ممکن است در نقاطی غیر قابل جمع و ناهمگون باشد و نتیجه آن عدم امکان انسجام و همکاری بلند مدت ترکیه با بازیگران مختلف در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و سلب اعتماد آنان به رویکردهای ترکیه را در پی داشته باشد. این مهم به‌ویژه در خصوص پیامدهای دکترین داوود اوغلو بر فرآیند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا می‌تواند موضوع پژوهش و مطالعات دیگری باشد.

نتیجه‌گیری

آن‌چه در نوشتار حاضر مورد کنکاش قرار گرفت ارائه مروری تحلیلی بر سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه با تأکید بر دکترین عمق استراتژیک

احمد داوود اغلو بود. در چارچوب این دکترین تاکنون دولت‌مردان ترکیه در چارچوب حزب عدالت و توسعه از خط مشی جدیدی در سیاست خارجی خود پیروی کرده‌اند. این خط مشی نشأت گرفته از شناخت عمق استراتژیک این کشور و بر پایه تعریف جدیدی از هویت، منافع و سیاست خارجی ترکیه است. بر این اساس ترکیه کشوری است که با توجه به موقعیت جغرافیایی خود و قرار گرفتن در بین‌المللی‌ترین نقطه دنیا می‌تواند در تحولات مناطق پیرامونی خود ایفای نقش کرده و به حداکثرسازی منافع خود بپردازد. در این میان منطقه خاورمیانه مهم‌ترین حوزه‌ای است که در طی سال‌های اخیر دولت ترکیه با کاربرد منطق عمق استراتژیک، روابط دوجانبه خود را با کشورهای متعارض منطقه به بهترین وجه حفظ کرده و موفق به ایفای نقش فعال در تحولات این منطقه شده است. در راستای همین منطق، آنکارا به تلاش‌های خود در حل اختلافات میان همسایگان‌اش پرداخته و نگاه برخی از کشورهای منطقه و افکار عمومی مردم کشورهای اسلامی را به سمت خود جلب کرده است. با توجه به رویکرد غالب بر سیاست خارجی ترکیه در این دوران، کشور مزبور حضور فعالانه‌ای در حوزه جغرافیایی بلافصل خود داشته است.

پی‌گیری همزمان اهداف و منافع و رای مناطق پیرامونی و در سطح جهانی شق دیگری از رویکرد سیاست خارجی ترکیه در چارچوب دکترین عمق استراتژیک است. ترکیه در طی چند سال گذشته از ابزارهای قدرت نرم مانند گفتگو، میانجی‌گری، وابستگی متقابل اقتصادی به جای قدرت نظامی در پیش‌برد اهداف سیاست خارجی خود بهره گرفته است. به‌طور کلی، سران حزب عدالت و توسعه درصدد افزایش اهمیت و نفوذ ترکیه در سطح جهانی همگام با ایفای نقش در سطح منطقه‌ای بوده‌اند، تا اینکه بتوانند به‌عنوان یکی از قدرت‌های در حال ظهور در عرصه جهانی مطرح شوند. تلاش برای الحاق به اتحادیه اروپا در کنار حضور گسترده ترکیه در سازمان‌های بین‌المللی، هم‌چون سازمان ملل یا کنفرانس اسلامی را می‌توان در این چارچوب مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.

اما واقعیت آن است که ترکیه در عرصه عمل، با تناقضات جدی در اجرایی کردن رویکردهای مورد نظر خود مواجه شده است. دلیل این تناقض نیز در چارچوب دکترین یاد شده این است که اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه افزایش نقش و جایگاه آنکارا را نه تنها در مناطق هم‌جوار بلکه، در سیاست جهانی نیز تعقیب می‌کنند. پیچیدگی‌ها و تعارضات موجود در دکترین عمق استراتژیک برگرفته از لایه‌های هویتی متعارضی

است که همزمان سه لایه غرب‌گرایی و گرایش به رنسانی اروپایی در ترکیه، توجه به لایه اسلامی و نیز هویت ترکی یا تاریخی‌گری این کشور رادر بر می‌گیرد. برآیند این تلون و پیچیدگی در تعریف هویت و منافع، رفتارهای متناقض و گاهاً گیج‌کننده است که ممکن است در دراز مدت نه دوستان ترکیه یعنی غرب و اسرائیل، نه هم‌نوعان این کشور یعنی مناطق ترک‌نشین و نه همسایگان یعنی کشورهایی مثل ایران از آن خرسند نباشند. موفقیت و ناکامی سیاست خارجی ترکیه بستگی به ایجاد سازگاری میان لایه‌های این بسته هویتی جدید و لذا تبلور نسبتاً پایدار آن در سیاست خارجی در مواجهه با اهداف همکاری‌جویانه و تعارض‌آمیز دارد. *



کتابنامه

منابع فارسی

مزروعی، علی (بهمن و اسفند ۱۳۸۷)، تولید؛ تجربه حزب عدالت و توسعه ترکیه، مجله آیین، شماره ۱۹ و ۲۰.

منابع انگلیسی

- Alessandri, Emiliano. (February 2010). "New Turkish Foreign Policy and Future of Turkey – EU relations", *Instituto affari Internazionali*, V.10, N.3.
- Altunisik, Meliha, Benli. (2008). "The Possibilities and Limits of Turkey's soft Power in the Middle East", *Insight Turkey*, V.10, N.2.
- Aras, Bulent. (2009). "Davutoglu Era in Turkish Foreign Policy", *Insight Turkey*, V.11, N.3. Available at www.SAM.gov.tr
- Bar, Allon. (Winter 2006). "*Turkish Foreign policy Surveys : Directions and Dilemmas in 2007*", perceptions, Autumn. Available at www.SAM.gov.tr
- Baskan, Birole. (2011). "Turkey – GCC relations : Is there a future?", *Insight Turkey*, V.13, N.1.
- Bo, Wang. (2011). "Turkey – Iran Reconciliatory relations in internal and external factors" *Journal of Middle east and Islamic Studies*, V.5, N.1.
- Cornell, E. Steven. (2012). "What Drives Turkish foreign policy", middle East Quarterly, Winter.
- Davutoglu, Ahmet. (2008). "Turkeys Foreign policy Vision: An assessment of 2007", *Insight Turkey*, V.10, N.1.
- Gozansky, Yoel and Lindestrauss, Gallia. (April 2011). "Turkey and Iran :politics of strange bedfellows", *Strategic Assessment*. V.14, N.1.
- Grigridas, Loannis. (Decebmer 2010). "Matching ambitions with realities :Turkish foreign policy in the Middle east", *Middle Eastern Studies*, N.14.
- Kirsic, Kemal. (2009). "Transformation of Turkish Foreign Policy :the rise of trading state" *New Perspective on Turkey*, V.40.
- Liel, Alon. (April 2011). "*Turkey as a regional player*", Isreali – European Policy Network, Available at www.IEPN.com.
- Meral, Zia and Paris, Janathan. (2010). "Decoding Turkish Foreign Policy Hyperactivity", *Washington Quarterly*, V.33, N.4.
- Muftuler, Bac, Meltem. (2007). "*Turkey and European Security*", Instituto affari internazionali, available at www.Iai.it.

- Muftuler, Bac, Meltem. (March 2005). "Turkeys political reforms and impact of European Union", *South European Society and politics*, V.10,N.1.
- Morelli, Vicent and Migdalovitz, Carol. (October 2009). "*European Union Enlargement :A status report on Turkeys accession*", Congressional research report , available at www.csr.gov.
- Murrison, Alexander. (2006). "Strategic doctrine of Turkish foreign policy", *Middle Eastern studies*, V.42.
- Oguzlu, Tarik. (March.2009). " Middleeast Europeanization of the Turkeys foreign policy :Does Turkey disassociate from the west?", *Turkish Stadies*, v.4,N.1,
- Onis, Ziya. (2011). "Multiple faces of the New Turkish Foreign Policy: Underlying dynamics and critique", *Insight Turkey* , V.13,N.1.
- Ozbay, Fatih. (2011). "relations between Turkey and Russia in 2000s", *Perceptions*, V.16,N.3,Autumn. Available at WWW.SAM.gov.tr.
- Ozcan, Gencer. (2004). " Turkeys Changing Neighbourhood Policy", *Turkish Year book Of International relations*, V. xxxv.
- Ozcan, Mesut. (2011). "Turkish foreign policy toward Middle east, Iraq and Iraqi Kurds", *Insight Turkey*, V.13,N.2.
- Stuart, Hannah. (October 2009). "*Turkey and Arab Spring*", Henry Jackson Society ,Strategic briefing.
- Uslu, Emrullah. (25 March 2009). "AhmetDavutoglu:The man behind Turkeys assertive foreign policy", *Euroasia Daily monitor*, V.6,N.57.
- walker, Jashua. (2011). "*Sources of Turkish Grand Strategy – Strategic Depth and Zero Problem in context*".
- Wanning, Martin andKardas, Tuncay. (2011). "Impact of changing Islamic identity on turkeys new foreign policy", *Turkish journal of international relations* ,V. 10, N.2 - 3, summer – fall.
- Weitz, Richards. (Summer 2010). "Russian – Turkish relations: steadfast and changing ", *Mediterranean Quarterly* ,Volume 21,V.61, N. 3, 61-85.
- YesliYurt, Nuri and Akdevelioglu, Atay. (2009). " Turkey Middle east Policy Under JDP rule", *Turkish Yearbook of International relations*, V.40.
- Yilmaz, Nuh .(2011). "U.S.- Turkey relations :Model partnership as empty signifier," , *Insight Yurkey*, v. 13, N. 1.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی